

ایران - فرانسه

عهدنامهٔ فیکن اشتاین

بیست و پنجم ۱۲۲۲ ق. / چهارم مه ۱۸۰۷ م.

درآمد:

جلوس الکساندر اول تزار روس به تخت سلطنت (۱۸۱۰ - ۱۸۲۵) و پیروی از سیاست تجاوزکارانهٔ پترکبیر و کاترین دوم، حملهٔ عمومی ارتش روسیه به فرماندهی ژنرال سیسیانف (۱۸۰۳ م.) به خاک ایران را به دنبال داشت. قوای روس در این حمله گنجه را بدون زحمت تصرف و بلافاصله نام آن را به ایلیزابت پُل تبدیل کرد.

فتحعلی شاه در مقابل این تجاوز به فکر یاری خواستن از دولت‌های انگلیس و فرانسه افتاد و در یک زمان نامه‌هایی در این زمینه از طریق سفیر فرانسه در اسلامبول و سرکنسول انگلیس در بغداد جهت دول مزبور فرستاد. دولت انگلستان شرایط بسیار سنگینی از جمله واگذاری جزایر قشم و هرمز و قرارداد بنادر بحر خزر در اختیار بازرگانان انگلیسی را جهت کمک به دولت ایران مطرح کرده ولی دولت فرانسه که به امید جامهٔ عمل پوشاندن به آرزوهای ناپلئون در جهت دسترسی به هندوستان از طریق ایران و ضربه زدن به منافع انگلستان مترصد چنین فرصتی بود، از این پیشنهاد استقبال کرد. به دنبال این استقبال و رسیدن اخبار فتوحات ناپلئون در اروپا به ایران، فتحعلی شاه را به نوشتن نامه‌ای به ناپلئون و اتحاد با وی تشویق کرد.

نامهٔ نخست فتحعلی شاه را دو تاجر ارمنی مخفیانه به فرانسه بردند و در فوریهٔ ۱۸۰۴ جواب آنرا به تهران آوردند. فتحعلی شاه دومین نامهٔ خود را توسط مارشال برون، سفیر فرانسه در عثمانی فرستاد و از پیشنهاد ناپلئون مبنی بر برقراری روابط دوستانه استقبال کرد و متذکر شد که عقد قرارداد با ایران ممکن است راه لشکرکشی به هندوستان را برای فرانسه باز و دست انگلیس را از

مستعمراتش در آسیا کوتاه کند.

در این تاریخ بود که ناپلئون به عجله مأمورین عالی‌رتبه، بصیر و جدی یکی بعد از دیگری به طرف ایران روانه ساخت. اژل، آمده ژوبر، منشی مخصوص و مترجم زبان‌های شرقی خود را در شانزده فوریه ۱۸۰۵ به ایران فرستاد و سرپرستی هیئت دوم را هم به کاپیتان روسنوف آجودان مخصوص خویش سپرد. هریک از این‌ها حامل مکتوب مخصوص ناپلئون بودند که به هر نحوی بود با رنج و زحمت زیاد خودشان را به تهران رسانیدند و نامه ناپلئون را به دست فتحعلی‌شاه دادند.^۲

دربار فتحعلی‌شاه مدت‌ها بود آرزوی چنین روزی را داشت که با نماینده مخصوص ناپلئون مستقیماً وارد مذاکره شود. ناپلئون در نامه‌هایی که به فتحعلی‌شاه نوشته بود آمادگی خود را برای پذیرفتن سفیر ایران جهت انعقاد معاهده مودت و کمک نظامی به ایران برای بازپس گرفتن ایالات گرجستان و قفقاز و تسخیر خاک روسیه را اعلام داشته بود.

خلاصه، حضور ژوبر در تهران روح تازه‌ای به قالب انسرده فتحعلی‌شاه دمید و وی در فوریه ۱۸۰۷ با عجله هیئتی را به ریاست میرزا محمدرضاخان قزوینی، بیگلربیگی قزوین، به دربار ناپلئون گسیل داشت، ناپلئون که آن هنگام در اردوگاه فینکن‌اشتاین واقع در لهستان بسر می‌برد، سفیر فوق‌العاده ایران را به گرمی پذیرفت و پس از چند روز مذاکره با مقامات فرانسوی، عهدنامه مزبور که به عهدنامه فینکن‌اشتاین مشهور شد، در مورخه صفر ۱۲۲۲ / مه ۱۸۰۷ در شانزده ماده از طرف میرزا محمدرضاخان و هوگ برنار ماره به امضا رسید.

بعد از امضاء معاهده فینکن‌اشتاین بین دولتین ایران و فرانسه، ناپلئون تصمیم گرفت یک صاحب‌منصب ارشد با عده‌ای مقامات لشکری به دربار ایران بفرستد، لهذا ژنرال گاردان را با مقام وزیرمختاری در رأس یک هیئت بیست و هفت نفری^۳ افسر و درجه‌دار جهت تعلیم ارتش به ایران فرستاد.^۴

بهرحال این عهدنامه هم در نهایت، هیچ تأثیر مثبتی در سرنوشت ایران نداشت و عهدنامه تیلیت (هفتم ژوئیه ۱۸۰۷)، بین دولتین روس و فرانسه عملاً فینکن‌اشتاین را منسوخ کرد که نتیجه این خلاف وعده ناپلئون نسبت به فتحعلی‌شاه، پناهنده شدن ایران به دامان انگلستان و انعقاد عهدنامه مجمل (محررم ۱۲۲۴ / مارس ۱۸۰۹) را به دنبال داشت که شرحش در عهدنامه مجمل خواهد آمد.

2. Amédée Jaubert.

3. C. Romieu.

۴. در مورد شرح مأموریت این دو هیئت و ترجمه متون نامه‌ها رک: محمود / فصل سوم.

5. Finkenshtein.

6. Hugues Bernard Murais.

۷. در تاریخ قاجار تألیف واتسون و ناسخ‌التواریخ تعداد همراهان گاردان، هفتاد نفر ذکر شده است. در مورد مقام و منصب همراهان گاردان رک: نفیسی ۱۰۷/۲.

۸. نقل به تلخیص از: مهدوی.

صورت عهدنامه ایست که بتوسط عالیجاه میرزا رضا وزیر دارالسلطنه
قزوین بهیئة فرانسه سمت انعقاد پذیرفته.

فهرست مندرجات

مقدمه

ماده اول - مودت.

ماده دویم - در باب تعهد حراست خاک ایران بتوسط دولت بهیئة فرانسه.

ماده سییم - در باب ملک موروثی بودن گرجستان به پادشاه ایران.

ماده چهارم - امداد دولت علیة ایران به اخراج قوای روس از خاک ایران.

ماده پنجم - در باب اعزام سفیر رخصت گذار به دربار دولت علیة.

ماده ششم - در باب تعلیم عساکر پیاده و توپچی.

ماده هفتم - در باب قلعه و توپخانه.

ماده هشتم - در باب تعهد دولت علیة ایران به ترک مراوده با دولت انگلیس.

ماده نهم - در باب اتحاد دولتین معاهدتین در قبال روس و انگلیس.

ماده دهم - در باب تجهیز سپاه از افغان و قندهار به جهت تصرف ممالک

هندوستان.

ماده یازدهم - در باب سفاین دولت بهیئة.

ماده دوازدهم - در باب عبور سپاه دولت بهیئة از خاک ایران به صوب

هندوستان.

ماده سیزدهم - در باب فروش لوزام ضرور به کشتی های دولت بهیئة.

ماده چهاردهم - در باب عدم اذن دولت ایران به تردد سفاین روس و انگلیس.

ماده پانزدهم - در باب انعقاد عهدنامه مجدد.

ماده شانزدهم - تصدیق عهدنامه، تاریخ عهدنامه.

چون در این اوان سعادت نشان و زمان میمنت اقران، خدیو فلک جاه، سلطنت دستگاه، امپراطور ممالک فرانسه و پادشاه ایتالیا بنای اتحاد و الفت با اعلیحضرت قدر قدرت، قضا بسطت، خورشید آیت، شاهنشاه صاحبقران، خسروگیتی ستان، پادشاه انجم سپاه و آفتاب علم، وارث تختگاه کسری و جم، فرمانفرمای ممالک فسیحة الممالک ایران عجم، السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان ابوالمظفر فتحعلی شاه قاجار [۱] - خَلْدَاللهُ مُلْكُهُ و سُلْطَانُهُ - گذاشته به جهت تشیید مبانی الفت و وفاق دولتین علیتین و تجدید عهد موذت و اتفاق سلطنتین بهیتین از دو جانب با رخصت کامله تعیین رخصت گذار فرموده، از طرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا وزیراعظم و کاتب سر ایامپراطوری، صاحب کلک همایون اشرف نشان های دولت مسیو هوک برنار ماره^۱ نام مأمور گردیده بنای عهد و شرط با بنده آستان فلک بنیان پادشاهی و چاکر دیرین سپهر اشتباه شاهنشاهی، سفیر دولت جاوید قرار آبد قرین میرزامحمد رضا وزیر دارالسلطنه قزوین گذاشته به مقتضای صلاح دولتین علیتین با یکدیگر مکالمه و مجاهده نموده اند. قرار شرح مسطور ذیل مواد مرقومه را بناگذاری نموده که من بعد اولیای دو دولت کبری و امنای دو سلطنت عظمی رضانامه آنها را قلمی و به مهر همایون مزین ساخته تسلیم یکدیگر نمایند:

مادّه اول - آنکه، فیما بین اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه ملک بارگاه ایران و جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا صلح مؤید بوده، من بعد با یکدیگر شرایط الفت

۱. Hugues Bernard-Maret، اصل: هوک برناماه.

و وداد و مراسم محبت و اتحاد را مرعی فرموده همواره بین الدولتین علیتین کمال و فاقی بوده باشد.

مادّه دویم - آن‌که، جناب امپراطور اعظم به مقتضای مراسم دوستی و موافقت با دولت علیّه ایران متعهد و کفیل گردیده که من بعد احدى رخنه در خاک ایران ننماید و چنانچه احدى خواسته باشد که بعد از این دخل در خاک ممالک ایران نماید، جناب امپراطور اعظم با پادشاه سپهرتختگاه ایران کمال موافقت به عمل آورده، به دفع دشمن پرداخته، حراست ممالک مزبوره را نمایند و به هیچ وجه خودداری نکنند.

مادّه سوّم - آن‌که، جناب امپراطور اعظم ادای شهادت نمود که مملکت گرجستان مُلک حلال موروثی اعلیحضرت پادشاه ایران می‌باشد و حقیقت مطلب بر جناب امپراطور مشخص و معلوم است.

مادّه چهارم - آن‌که، جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا در خصوص اخراج نمودن طایفه روسیه از ملک گرجستان و تمامی خاک ایران به زور پادشاهانه خود لازم و قرارداد فرمودند که طایفه مزبوره را جبراً و قهراً از جمیع خاک ایران اخراج نموده و بالکلیه ترک حدود کشور ایران نمایند و چنانچه با روسیه بنای عهد صلح نمایند، این شروط از جمله شروط عهدنامه ایشان قرارداده، به طریق امور دولت خود در این خصوص کوتاهی ننمایند و کمال تعهد در باب این مطلب فرموده بر ذمّت همت عالی خود واجب و لازم ساختند.

مادّه پنجم - آن‌که، از طرف قرین‌الشرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا یک نفر سفیر معتبر رخصت‌گذار معین آمده، در آستان فلک‌بنیان اعلیحضرت قدرقدرت، پادشاه جم‌جاه ایران اقامت نموده، به خدمتگذاری و صلاح‌اندیشی دولتین علیتین قیام و اقدام نماید.

مادّه ششم - آن‌که، هرگاه رأی بیضا ضیای جهان آرای اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اقتضا فرماید که عساکر پیاده و توپچی را به رسم و ضابطه فرنگک تعلیم و

مهیّا نماید و بعضی قلعه‌ها به ضابطه قلعه فرنگ بناگذارد، جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا بنا بر این مطلب توپ سفریه و تفنگ حرّیه، و از هر قدر ضرور و لازم بوده باشد، به صوب ایران ارسال و قیمت آن را از قیمت فرنگستان به سرکار جناب امپراطور اعظم داده می‌شود.

مادّه هفتم - آن‌که، از دولت علیّه ایران هرگاه خواهش نمایند که به طریق قلعه‌های فرنگ قلعه ساخته باشند و توپخانه به قاعده فرنگ ترتیب و عساکر پادشاه با ضابطه فرنگ تعلیم نمایند، هر قدر توپچی و مهندس و تعلیم چی لازم بوده و ضرور شود جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا متعهد گردید که ارسال صوب ایران نماید که در آن‌جا ترسیم قلعه و ترتیب توپخانه و تعلیم عساکر پیاده نمایند.

ماده هشتم - آن‌که، بنا بر موافقت این دو دولت بهیّه، از جانب شوکت جوانب اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه جم‌جاه ممالک ایران از هر جهت قطع مکاتبه و مراسله با قرال [۲] انگلیس گردیده، از جانب دولت علیّه ایران متعهد شوند که بنای خصومت با ایشان گذاشته، به جهت دفع آنها عساکر روانه نمایند و بنا بر این مطلب ایلچی سرکار شوکت‌مدار پادشاهی که به جانب هند و انگلیس رفته به ارجاع و احضار او امر فرمایند و از جانب انگلیس و کمپانی آنچه بالیوز [۳] و وکلای قرال انگلیس در سواحل بنادر عجم و ولایات ایران اقامت نموده باشند آنها را مطرود و اموال و امتعه انگلیس ضبط شده، تجارت ایشان را برآ و بحرآ از جانب ایران مقطوع نمایند و فرمان قضا جریان پادشاهی در این خصوص از مصدر عزّ و شأن صادر گردد و در اثنای این مخاصمه از طرف انگلیس به جهت سفارت یا بهانه دیگر، هرگونه سفیری که به جانب آستان فلک‌بنیان پادشاهی عزیمت نمایند ایشان را مطرود و مردود نموده راه ندهند.

مادّه نهم - آن‌که، هرگاه فی‌المستقبل روسیه و انگلیس با هم اتفاق نموده به جانب دولتین علیّین فرانسه و ایران عزیمت و حرکت نمایند، این دو دولت نیز بانفاق یکدیگر به دفع آنها اقدام نموده از روی موافقت و اتحاد به مخاصمه و محاربه و مجادله آنها پردازند و چنانچه بنای سفر و حرکت نمایند اولیای دولتین علیّین فرانسه و ایران یکدیگر را خبر نموده، به دفع آنها اقدام نموده و آنچه در ماده سابقه مرقوم شده

از ضبط مال و امتعه ایشان به طرق مشروح در ماده فوق عمل نمایند و در موافقت و اعانت یکدیگر به هیچ وجه من‌الوجه کوتاهی و اهمال و مساهله و امهال جایز و روا ندارند.

ماده دهم - آن‌که، اعلیحضرت پادشاه سپهر بارگاه ایران موافقت و مطابقت فرموده از صوب افغان و قندهار و آن حدود تجهیز سپاه و تهیه جنود فرموده، در وقتی که مشخص شود و معین گردد به جهت تسخیر و تصرف ممالک هندوستان متصرفی انگلیس عساکر و جنود منصوره پادشاهی را مأمور و ارسال فرمایند و ولایات متصرفی انگلیس را ضبط و تسخیر نمایند.

ماده یازدهم - آن‌که، هرگاه کشتی فرانسه از صوب بنادر مملکت ایران ظهور و عبور نماید و بعضی تدارکات و جزئیات و برخی اشیاء و ضروریات برای آنها درکار باشد و لازم گردد اهالی بنادر به ایشان محبت و معاونت نمایند و در تدارک آنها لوازم دوستی را به عمل آورده اعانت نمایند.

ماده دوازدهم - آن‌که، جناب امپراطور اعظم خواهش می‌نمایند که من بعد هرگاه به جانب هندوستان به جهت دفع انگلیس فرستادن لشکر ضرور شود و اقتضا نماید که از جانب خشکی سپاهی به جهت هندوستان ارسال نمایند، اعلیحضرت پادشاه ایران اذن و اجازت به ایشان عطا فرمایند که از راه و هر طرف که رأی جهان‌آرای شاهنشاهی اقتضا نماید به آنها رخصت داده روانه هند شوند و سپاه ایران نیز با ایشان موافقت نموده، بالاتفاق عزیمت تسخیر هندوستان نمایند و من بعد هر وقت که این اراده و عزیمت را داشته باشند موقوف است بر آنکه مجدداً با اولیای دولت علیه ایران در این خصوص اظهار نموده، چنانچه رأی عالم‌آرای پادشاهی اقتضا فرماید و رخصت عبور به ایشان بدهند، عهدنامه مجددی در این خصوص فیما بین دولتین علیه ایران و فرانسه قلمی داده عبور فرانسه و کمیت لشکر آنها را که چقدر بوده باشند و اینکه ذخایر و ضروریات ایشان در کدام راه و کدام منزل باید تدارک شود و چقدر سپاه ایران همراه بوده باشند، همگی را قرارداد نموده به اذن و رخصت شاهنشاهی عهد و شروط علاحده شود کمترین بنده درگاه جسارت به تعهد این مطلب ننموده، مجدداً موقوف است به

عرض اولیای دولت قاهره و اذن شاهنشاه عالمیان پناه.

مادّه سیزدهم - آن‌که، هرگاه به جهت کشتیهای فرانسه در حین عبور از بنادر ایران بعضی از اشیا و ذخایر ضرور شود، اهالی بنادر به قیمت فروخته تنخواه از فرانسه بازیافت دارند و همچنین هرگاه در عبور سپاه ایشان از راه خشکی ذخیره و بعضی اشیا ضرور شود به نحوی که در ماده سابقه قلمی شده ذخیره و آنچه به عساکر آنها ضرور شود، اهالی ایران به ایشان فروخته از قرار قیمت ایران تنخواه بازیافت نمایند.

مادّه چهاردهم - آن‌که، شروطی که در ماده دوازدهم مرقوم شده مختص دولت فرانسه بوده، با دولت روس و انگلیس به هیچ وجه من الوجوه شروط مزبوره قرار داده نشود و از هیچ سمت به ایشان راه عبور و مرور ندهند.

مادّه پانزدهم - آن‌که، به جهت آمد و رفت تجار بنا بر انتفاع دولتین و امور متعلقه به تجارت در دارالسلطنه طهران به خاکپای مبارک اعلیحضرت پادشاهی عرض شده، قراردادی به جهت امور مزبور گذاشته شود و عهدنامه مجددی در این خصوص مرقوم فرمایند.

مادّه شانزدهم - آن‌که، إن شاء الله تعالی این عهدنامه در دارالسلطنه طهران بعد از چهار ماه از این تاریخ تبدیل شده، رضانامه به مَهر مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی مزین شده، تسلیم اولیای دولت فرانسه و به مَهر جناب امپراطوری رضانامه ایشان تسلیم اولیای دولت علیّه ایران شود.

تحریر آ در اردوی جناب امپراطوری در فین‌کشتین به تاریخ بیست و پنجم شهر صفر المظفر سنه یک هزار و دویست و بیست و دو (۱۲۲۲) هجری [۴]

محلّ مَهر و امضای

وزیر مختار فرانسه

محلّ مَهر و امضای

سفیر ایران

توضیحات عهدنامهٔ فیکن اشتاین

۱) فتحعلی شاه قاجار (۱۱۸۵ - ۱۲۵۰ ق.): باباخان ملقب به جهانپانی نام فتحعلی شاه برادرزادهٔ آغامحمدخان و پسر بزرگ حسینقلی خان قاجار خوانلو معروف به جهانسوز بوده است و به مناسبت هم اسمی باجدش، آغامحمدخان او را باباخان خطاب می‌کرد. وی سال ۱۲۰۴ ق. توسط آغامحمدخان به ولایتمهدی برگزیده شد و بسال ۱۲۱۲ (سال مرگ آغامحمدخان) تاجگذاری کرد. مهمترین وقایع سلطنت فتحعلی شاه رقابت انگلستان و فرانسه و تجاوزات دولت روسیه تزاری به اراضی ایران و تیرگی روابط ایران و عثمانی است. (← صدرالتواریخ، ص ۱۴). فتحعلی شاه در مدت ۳۸ سال و اندی سلطنت هزار زن اختیار نمود و از سال ۱۲۰۳ ق. در سن ۱۸ سالگی شروع کرد به اولاد پیدا کردن و سالی پنج تا شش و شاید بیشتر زنانش برای او وضع حمل می‌کردند (دربارهٔ حرمسرای فتحعلی شاه رک: ایران و موضوع ایرانی، لرد کرزن، ج اول، ص ۴۱۰) بالاخره فتحعلی شاه در ۱۹ جمادی‌الآخر سال ۱۲۵۰ در اثر بیماری ذات‌الجنب در شهر اصفهان فوت کرد و جسدش را به مقبره‌ای که در شهر قم آماده کرده بود نقل کرده و مدفونش کردند.

۲) قرال: اصل این کلمه از زبان اسلاوهاست و کلمهٔ "Karol" روسی به معنی شاه هم از همین ماده است. این کلمه را در آن زمان در زبان فارسی و ترکی استانبولی به معنی شاه و مخصوصاً شاهان اروپایی به کار می‌بردند.

۳) بالیوز: این کلمه مأخوذ از کلمهٔ بایولوس "Bajulus" لاتین به معنی قیم و بالاخص سفیر دربار، ترکان عثمانی این کلمهٔ لاتین را بالیوس و بایلوس تلفظ کرده و ایرانیان آنرا بالیوز نوشته و به معنی کونسول استعمال کرده‌اند.

۴) به قول مرحوم سعید نفیسی متن فارسی عهدنامه که در آن زمان ترتیب داده‌اند ترجمهٔ دقیق و تحت‌اللفظ متن فرانسه که در دربار ناپلئون تدوین شده است نیست و به سیاق انشای آن زمان القاب و عناوین زاید و حتی کلمات مرادف در آن وارد کرده‌اند و از پایان مادهٔ دوازدهم پیداست که میرزامحمدرضا سفیر ایران در موقع امضاء چیزی بر متن افزوده است و بدین گونه می‌توان احتمال داد که این متن فارسی را میرزامحمدرضا خود ترتیب داده باشد.^۱

۱ - جهت مطالعه متن ترجمه شده تحت‌اللفظ عهدنامهٔ حاضر رک: نفیسی ۹۵/۱

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/treaties/>